هو السميع المجيب

متن کامل مناجات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه

به همراه ترجمه فارسی و فایل صوتی

بِسْمِ اللَـهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لاَ يَنْفَعُ مَالٌ وَ لاَ بَنُونَ

الهی، من از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه مال سودی بخشد و نه فرزندان

إِلاَّ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

مگر آن افرادی که در پیشگاه خدا با دل پاک و قلب سالم [و خالص از غیرِ او] وارد شوند

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که ستمگر به شدت دست خود را [از پیشانی] به دندان بگزد

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً

و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی برقرار نموده بودم

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که مجرمان با چهره‌هایشان شناخته می‌شوند

فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ

آنگاه از موی پیشانی و از پایشان بگیرند [و بر آنان راه فراری نباشد]

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لاَ يَجْزِى وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه پدری عهده‌دار امری از فرزندش گردد

وَ لاَ مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

و نه فرزندی چیزی را از پدرش عهده‌دار گردد

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بی‌شک وعدهٔ خداوند حق است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لاَ يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که عذرخواهیِ ستمگران آنان را سودی نبخشد

وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و بر ایشان دورباش زده شود، و برای آنان است منزلگاهِ بد

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لاَ تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که هیچ جانی، قدرت و اختیاری نسبت به دیگری ندارد

وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

و در آن روز حکم و فرمان مختصّ الله است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

و از تو امان می‌طلبم در روزی که انسان از برادرش فرار می‌کند

وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ

و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش نیز می‌گریزد

لِكُلِّ امْرِىءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

برای هرکس در آن روز گرفتاری‌ای هست که به او مجالی نمی‌دهد

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِى مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که جنایتکار آرزو کند که برای رهایی از عذاب آن روز، فرزندان خود را فدا کند

وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِى تُؤْوِيهِ

و هم همسر و برادرش را و هم خویشانش را که او را پناه می‌دادند

وَ مَنْ فِى الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ يُنْجِيهِ

و هم تمام اهل زمین را فدیه دهد تا شاید که نجات یابد!

كَلاَّ إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِلشَّوَى

هرگز! همانا آتش شعله‌ور است، که جوارح را بسوزاند و پوستش را بَر کَنَد

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو مولا و سروری، و من بنده‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلاَّ الْمَوْلَى

و آیا بر بنده کسی جز مولا ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو صاحب اختیارِ وجود منی، و من در اختیار توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلاَّ الْمَالِكُ

و آیا بر بندهٔ مملوک کسی جز صاحب‌اختیار او ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ

آقای من! ای آقای من! عزیز و با اقتدار، تنها تویی، و من ذلیل و خوارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلاَّ الْعَزِيزُ

و آیا بر بندهٔ خوار، کسی جز عزیزِ با اقتدار ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ

آقای من! ای آقای من! خالق و آفریننده فقط تویی، و من آفریدهٔ تو

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلاَّ الْخَالِقُ

و آیا بر آفریده، کسی جز آفریننده‌اش ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! باعظمت تنها تویی، و من ناچیز هستم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلاَّ الْعَظِيمُ

و آیا بر بندهٔ ناچیز کسی جز پروردگار باعظمت رحم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ

آقای من! ای آقای من! توانا تنها تویی، و من ناتوانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلاَّ الْقَوِيُ

و در حقّ ضعیفی ناتوان غیر از توانمند چه کسی ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! بی‌نیاز فقط تو هستی، و من نیازمندم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلاَّ الْغَنِيُ

و آیا بر نیازمند، کسی جز بی‌نیاز مطلق ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! بخشنده فقط تویی، و من

در خواست کننده از درگاه توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلاَّ الْمُعْطِي

و آیا در حقّ سائل کسی جز بخشندهٔ مطلق ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ

آقای من! ای آقای من! زندهٔ جاوید تنها تویی، و من مردهٔ بی‌جانَم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلاَّ الْحَيُ

و آیا در حقّ مرده‌ای بی‌جان جز زندهٔ جاوید ترحّم خواهد نمود؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي

آقای من! ای آقای من! فقط تو پاینده هستی و من ناپایدارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِيَ إِلاَّ الْبَاقِي

و نابودشدنی را چه کسی جز وجود پاینده ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! جاوید و پایدار تنها تویی، و من از بین رونده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلاَّ الدَّائِمُ

و آیا در حقّ موجودی زوال‌پذیر جز وجود پایدار رحم آرد؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو روزی‌دهنده هستی و من روزی‌طلب

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلاَّ الرَّازِقُ

و آیا بر روزی‌طلبان جز روزی‌دهنده ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ

آقای من! ای آقای من! سخاوتمند، تنها تویی و منم تنگ‌نظر

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلاَّ الْجَوَادُ

و آیا در حقّ شخص تنگ‌نظر، کسی جز سخاوتمند رحم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى

آقای من! ای آقای من! تنها عافیت‌بخش تویی، و من گرفتار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلاَّ الْمُعَافِي

و آیا بر گرفتار جز عافیت‌بخش ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو بزرگ هستی، و من کوچک و ناچیز

وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلاَّ الْكَبِيرُ

و آیا بر کوچک جز بزرگ رحم آورد؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ

آقای من! ای آقای من! تنها هدایتگر تویی و من

بندهٔ گمراه

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلاَّ الْهَادِي

و آیا در حقّ بنده‌ای گمراه جز هدایتگر ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ

آقای من! ای آقای من! تنها رحم‌کننده تویی و منم بندهٔ بخشوده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلاَّ الرَّحْمَنُ

و آیا بر قابل بخشش کسی جز بخشاینده ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُمْتَحَنُ

آقای من! ای آقای من! پادشاهِ مطلق تنها تویی، و من بندهٔ امتحان شده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلاَّ السُّلْطَانُ

و آیا بر بندهٔ مورد امتحان جز فرمانروای عالَم رحم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحَيِّرُ

آقای من! ای آقای من! رهنما تنها تویی، و من سرگشته‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلاَّ الدَّلِيلُ

و آیا بر سرگشته جز رهنما ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُذْنِبُ

آقای من! ای آقای من! تویی تنها آمرزنده و من گنه‌کار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلاَّ الْغَفُورُ

و آیا بر گنه‌کار جز آمرزنده رحم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو چیره و پیروز هستی، و منم شکست‌خورده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلاَّ الْغَالِبُ

و آیا بر شکست‌خوردهٔ ناتوان جز چیرهٔ توانمند رحم آورد؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو پروردگاری و من پرورش‌یافتهٔ توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلاَّ الرَّبُ

و آیا در حقّ پرورش‌یافته جز پروردگارش ترحّم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ

آقای من! ای آقای من! بزرگ‌منش فقط تو هستی، و من بندهٔ فروتن

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلاَّ الْمُتَكَبِّرُ

و آیا بر بندهٔ خاکسار و فروتن جز خداوند باکبریا و بزرگ‌منش رحم کند؟

مَوْلاَيَ يَا مَوْلاَيَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ

آقای من! ای آقای من! با رحمت بی‌انتهایت بر من ترحّم کن

وَ ارْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ

و باوجود و کرَمَت از من راضی و خشنود شو

يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ وَ الطَّوْلِ وَ الاِمْتِنَانِ

ای خدای دارای احسان و بخشش، و فضل و نعمت

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به حق رحمَتت، ای مهربان‌ترین مهربانان